

هوشنگ میرمطهری

آهنگ نواز فطرت، در پشت کره خاک،
و بر فراز پهنی نیلگون افلاک، و در اقطار این
گوهرهای درخشان که روشنی افزای شبان تیره اند،
و همه جا و همه جا که ابدیت را در جام‌های رنگارنگ
زمان و مکان ریخته است. زندگانی را با آهنگ و
نظمی خاص همطراز و هماهنگ ساخته است.
عمر نیز با پیمانه‌ی ضربات نبض و گذشت
ماه و سال و روز و توالی حوادث که آنها هم خود
پیرو نظام خاصی هستند سنجیده میشود.

تاریخ نیز از همین ممر می‌گذرد. روزهای
روشن بهاری در پی شبهای تیره فام و سرد زمستان، فرا
میرسد، و تابستان حاصل شکوفه‌های بهاری را بشمر
میرساند، پائیز برگ درختان را دو باره از آنان
میگیرد و بخاک می‌سپارد. تو گویی شکوفه‌ها و
نیروهای حیاتی، رستنیها، برای برگ‌نار ماندن از
حمله بیدریغ مهاجمان زمستانی، در زیر دامن و در
آغوش شاخ و برگها پناه می‌برند و سر بزیر پیکر
درخت نهان میکنند و در آن دژهای طبیعی خویش
بخواب خوش فرو میروند، طبیعت نیز بارپوشی
سپید فام، باین خواب عمومی و استتار فطری خاموشی
و سکوت خاصی را عطا میکند.

کم کم طلایه‌های بهاری از اسفند ماه
بجنبش در می‌آید و در پایان با وزیدن نسیم
زندگی بخش فروردین اسرافیل و اربط طبیعت بخواب
رفته و نیروی حیاتی درختان آرامیده را از خواب

بیدار میکند، لوله و نشاط و شور و شعفی بیرون از وصف سراسر جهانرا میگیرد، یک
آهنگ روان بخش نیروهای زنده پنهان شده را بتلاش نوینی در عرصه زندگی میخواند.
گویی تمامی اجزاء طبیعت درین سرور و شادکامی همراهی و هماهنگند. درختان باشکوفه‌های
تازه چادری از پرنیان رنگین بر سر میکشند و سبزه‌ها از زمین سر بر میکشند. جانوران که
از صدمت سرما هراسناک از کنام خود بیرون آمده، گاه موجب وحشت آدمیان میشوند، و

نوروز فروردین
منشاء يك تحول
عظیم در تاریخ
بشر و خلقت
جهان

گاه چون آهوان و دامها و پرندگان وحشی بشهرپناه میبردند. اکنون روزهای از حیات نوین برایشان باز میشود، و در سرخوان گسترده و بیدریغ خلاق فطرت، بشادکامی و سرور میچرخند و میبرند و از این شب دیجور زمستانی بروز پرفروغ بهاری چشم میگشایند.

آدمیان که بمقتضای طبیعت و راهنمایی هوش درونی خویش از نعمت عقل برخوردار و از لطائف و اسراری که در نهاد طبع و گردش روزگار نهفته است آگاهترند، بیشتر از سایر موجودات بدین پایکوبی و دست افشانی برمیخیزند، چه آنان محنت پژمردگی در سرمای زمستان و سرور حیات نوین را در نغمه های روان بخش بهاری بهتر درک میکنند. تا جائیکه این هماهنگی با طبیعت را بصورت دین و آئین یا عمیق ترین دلبستگی-

های روحی خویش جلوه گر میسازند. يك نظر اجمالی بادیان منتشر در هند و ایران و اروپا و قاره های دیگر و در آثار دینی این اقوام مانند مهابهارت و اوستا و در آثار بجا مانده دیگر از زمانهای قدیم چون ادوار اساطیری تاریخ کشورما و ادوار قبل از اسلام و بعد از اسلام، خاصه در زمان ساسانیان و حتی در ادوار حکومت عباسی و بعداً در زمان سامانیان و سلاجقه و صفویه و ادوار جدید این معنی را بر ما روشن میکند که هماهنگی با سرور و شادی که فروردین در عروق هستی میدمد بنحوی موجودیت دارد و تکامل در آن مشاهده میشود و شاعران و گویندگان هر يك در هر عصری بشکلی از این سرور و شادکامی یاد کرده اند مثلاً در عین حال که دقیقی (۹) وصفی از طبیعت خام در موقع فروردین میکند

| | |
|---------------------------|------------------------|
| چو روی یار من شد دهر گوئی | همی عارض بشوید آب کوثر |
| بکردار درفش کاویانی | بنفش وشی و کوفی سراسر |
| پوشیده لباس فرودینی | ببفکنده لباس ماه آذر |

فردوسی (۳) جشن نوروز را در پی يك تحول عظیم تمدن ذکر میکند. چه اوشاهنامه خود را از پادشاهی کیومرث آغاز کرده است و آغاز پادشاهی کیومرث را ابتدای روز برج حمل میدانند.

| | |
|------------------------------|-----------------------------|
| پژوهندهی نامه باستان | که از پهلوانان زنده داستان |
| چنین گفت کآئین تخت و کلاه | کیومرث آورد و او بود شاه |
| چو آمد ببرج حمل آفتاب | جهان گشت با فر و آئین و آب |
| بنا باید از آن سان ز برج بره | که گیتی جوان گشت از آن یکسر |

پس از آن کارهای کیومرث را ذکر میکند از این قبیل که در کوه جای ساخت، و پلنگینه پوشید و پوشیدنی پدید آورد، و دد و جانور بنزدیکش آرام گرفت و پیش تختش برسم نماز می آمدند، و آئین خویش از او می گرفتند و صحبت از یکرنگی اولیه است چنانکه در قرآن کریم هم آمده است: **كان الناس امة واحدة (۳)**. «همگی مردم و ملل يك امت واحد بودند.»

تا اینکه سیامک روی کار آمد. کیومرث شاه از همداستانی دیوان برضد خودش بی خبر بود. سیامک او را متوجه ساخت و شاه بچه سیامک از این داستان دلش بدرآمد و چرم

۱- دقیقی وفات ۳۶۵-۳۷۰ از راهنمای ادبیات فارسی دکتر زهرای خانلری.

۲- فردوسی ۴۱۱-۴۱۶

۳- سوره دوم آیه ۲۱۲ و سوره ۱۰ آیه ۱۹ از قرآن کریم.

پلنگ پوشید و بچنگ دیوان رفت و در آن کارزار کشته شد و سالی مردم و پادشاه بسو کواری او نشستند و خداوند را به برترین نام بخواند و بکین سیامک بچنگ دیسو شتافت پسر سیامک هوشنگ با هوش و فرهنگ بود و او را فرماندهی دادند و بچنگ اهریمن رفت ، و درین جنگ پیروز شد جهان بر کیومرث شاه سر آمد و پادشاهی بهوشنگ رسید . آنچه در زمان او پدید آمد :

آتش - آهنگری - دست یافتن بآب برای کشاورزی و رواج کشاورزی و دست یافتن به پوست حیوانات برای پوشش مردم بود .

آنگاه سلطنت بتهمورث رسید . او نیز از آنچه در جهان سودمند است چیزها پدید آورد . دیورا به بند کشید و از دیوان زبان رومی و تازی و پارسی و سندی و چینی و پهلوی آموخت .

سپس جمشید بتخت بر نشست او خود را بافر ایزدی دانست و از همه برتر شهریاری و مؤبدی را در خود گرد آورد . آهن را نرم کرد و از آن خود و زره و خفتان و تیغ و برگستوان ساخت و دیگر جامه از کتان و ابریشم و موی قز و پشم و دیبا ساخت . و آنگاه طبقات اجتماعی را که کاتوزیان (= آتوربان یا آذربان) که پرستندگانند و نیساریان (= رشتاران = ارتشیان) که جنگاورانند و بسودی (= واسترپوشان) که کشاورزانند و اهنوخوشی (= هوتوخشان) که دستورزانند تقسیم کرد و پس از پدید آوردن بسیاری از چیزهای دیگر تخت کیانی ساخت و دیوان تختش را بهامون بر میداشتند و او چون خورشید تابان در هوا از این سو بآن سو می رفت درین موقع هر سال نو هر مز روز در فروردین ماه از رنج روی زمین آسود - و این روز را روز نو خواندند چنانکه مشاهده می شود روز بر آسودن و جشن در پی یک دوران بیشتر از چندین هزار سال است بطوریکه گیرشمن ورود ایرانیان به نجد ایران را مسبق به عهدی طویل بالغ بر سه هزار سال میداند ، که در طی آن بتدریج تمدن انسان ماقبل تاریخ ... فلاحت و تربیت جانوران را آموخت و وسعت داد و در استخراج فلزات نخستین گامها را برداشت. (۹)

البته داستان جمشید، در روایات هندی با جزئی تفاوت آمده اما چنانکه از تحقیقات بیشتر برمی آید. او تنها یکی از پهلوانان اساطیری و ملی ایران نیست بلکه متعلق بقوم هند و ایرانی است . - و عجیب است که بر حسب روایت یا بموجب واقعیت خیلی از حوادث بزرگ در همین روز آغاز فروردین رخ داده است که از آن جمله است: روز تولد زردشت پیغمبر بزرگ آریائی. البته این روز هر مز نوروز نیست چنانکه شاهنامه روز جشن نوروز را بیان کرده است خرداد روز، از فروردین ماه است بقولش زردشتیان (۴) و در همین روز است که زردشت مبعوث شد و درین روز گشتاسب دین پذیرفته و در این روز رستاخیز بوقوع خواهد پیوست و بگفته صاحب جنات الخلود درین روز که در هر عصری موضوع از برای شادی بوده و شرافت عظیم دارد . از جهت آنکه امیر المؤمنین در این روز برمسند خلافت ظاهری قرار گرفته ، و آنرا (نیروز الفرس) یعنی نوروز ایرانیان خوانده

۱- ص ۳۵۲- تمدن ایرانی تالیف گیرشمن ترجمه دکتر معین

۲- ص ۹۵- از کتاب جلد اول یشتها از استاد پورداود .

و اعمالی از برای آن ذکر کرده است که از آن جمله است غسل و جامه پاکیزه پوشیدن و بعد از نماز ظهرین چهار رکعت نماز... و دعائی خاص (۹).

و عجب است که همین دعا را در اول ماه محرم یعنی آغاز سال تازیان که آغاز ماههای قمری است می خوانند. و از آداب اسلامی نوروز نوشتن هفت سلام در وقت تحویل و آب آنرا نوشیدن موجب سلامتی در آن سال شمرده شده و آن هفت سلام بدین ترتیب از آیات قرآن کریم مقتبس است:

۱- سلام قولاً من رب رحیم (۲) (درودی از پروردگار مهربان)

۲- سلام علی نوح فی العالمین (۳) (درودی بر نوح در جهانیان)

۳- سلام علی ابراهیم (۴) (درودی بر ابراهیم)،

۴- سلام علی موسی و هرون (۵) (درودی بر موسی و هارون)،

۵- سلام علی الیاسین (۶) (درودی بر الیاسین).

۶- سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین (۷) (درودی بر شما پاک شدید

و به بهشت درآید جاودان)

۷- سلام هی حتی مطلع الفجر (۷) (درودی بر آن تابا پیدایش سپیده دم)

اول نوروز بروایات متعدد پیش از اینستکه بتوان درباره آن درین مختصر ذکر کرد. فقط يك خبر درین مورد از منهاج العارفین نقل میشود:

بدانکه علماء را در تعیین روز نوروز اقوال مختلف است. بعضی نوروز را دردم ایاره ماه دانستند که اول جوزا (= خردادماه) است. و برخی نهم شباط را نوروز گفته اند، که سوم حوت (= سوم اسفندماه) باشد و مشهور آنست که نهم آذر ماه و اول فروردین ماه جلالی اول نوروز است. که تحویل شمس ببرج حمل در آن وقت است و درین ازمنه این نوروز معمولست و باید درین روز بجا آورد اعمال و ادعیه که در احادیث منقول است. از معلی بن خنیس با سنانید معتبره مرویست که حضرت صادق فرمود ای معلی روز نوروز روزیست که خدا در روز الست از ارواح بندگان عهد و میثاق یگانگی خود و پیروی پیغمبران و امامان را گرفت، و اول روزیست که آفتاب طلوع کرد و بادهای آبستن کننده درختان وزید و گلها و شکوفه آفریده شدند و کشتی نوح در این روز بر کوه جودی قرار گرفت دلیل او... ای معلی روز مبعث رسول که بیست و هشتم رجب است در نوروز بوده و جبرئیل در این روز بجهت وحی بر حضرت رسول نازل گردید. و درین روز حضرت ابراهیم بتهای نمروود را شکست و حضرت امیر در این روز پای خود را بکتف حضرت رسول گذاشت و بتهای خانه کعبه را شکست و روز غدیر که حضرت رسول برای حضرت امیر بیعت گرفت در همین روز واقع شد.

۱- جنات الخلود. بقیه الجدول الحادی و العشر دن فی بقیه الشهرة والنوروز.

۲- سوره ۳۶ آیه ۵۸ ۳- سوره ۳۷ آیه ۷۹

۴- سوره ۳۷ آیه ۱۲۹ ۵- سوره ۳۷ آیه ۱۲۰

۶- سوره ۳۷ آیه ۱۳۰ ۷- سوره ۳۹ آیه ۷۳

۷- سوره ۹۷ آیه ۵